



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

در بحث ارث بعد از ذکر مقدمات و مبانی وارد بحث در طبقات ارث شدید و عرض کردیم ما سه طبقه در ارث داریم؛ طبقه اول أبوان و أولاد، طبقه دوم إخوة و أجداد و طبقه سوم أعمام و أخوال.

بخدمت فعال در طبقه اول می باشد، جواهر و شرایع و امام رضوان الله علیه همگی برای طبقه اول یعنی أبوان و أولاد فروعاتی ذکر کرده اند.

اجماعاً و کتاباً و سنهً هیچکس در ارث بر طبقه اول مقدم نیست، در مورد اجماع عرض کردیم که مدرکی است و حجت نمی باشد و اما در مورد کتاب الله عرض کردیم که در دوجای قران کریم یعنی در سوره احزاب و سوره انفال این عبارت: "اولی الارحام بعضهم اولی ببعض فی کتاب الله" ذکر شده و گفتیم که اهل بیت علیهم السلام این آیات را به ارث تفسیر کرده و فرموده اند در ارث باید "الأقرب یمنع الأبعد" را در نظر بگیریم.

صاحب جواهر فروعاتی را بر طبقه اول یعنی أبوان و أولاد مترتب کرده و اینطور فرموده:

« ۱: فان انفرد الأب عن من فی درجته والزوج فالمال له قرابةً لآیه اولی الارحام. ۲: وإن انفردت الأم فلها الثلث فرضاً (آیه ۱۱ سوره نساء) والباقي رد علیها عندنا خلافاً للعامة، فللعصبة (مردان مذكر از طائفه). ۳: ولو اجتمع الأبوان فللأم الثلث فرضاً وللأب الباقي قرابةً.

۴: ولو كان هناك إخوة حاجبون كان لها (للأم) السدس وللأب الباقي، ولا ترث الإخوة شيئاً وإن حجبوا ، وفي رواية شاذة عن ابن عباس أن لهم السدس الذي حجبوها عنه.

۵: ولو انفرد الابن فالمال له قرابةً ولو كان أكثر من واحد فهم سواء في المال لعدم الترجيح ، والأصل التساوي.

۶: ولو انفردت البنت فلها النصف فرضاً والباقي يرد علیها (بنت واحده) والعصبة بفيها التراب، بلا خلاف أجده في شيء من ذلك ، بل الكتاب والسنة والإجماع علیها.

۷: و كذا لو كانت بنتان فصاعدا فلهما أو لهن الثلثان والباقي يرد علیهما أو علیهن والعصبة بفيها التراب.

۸: وإذا اجتمع الذکران والانات فالمال لهم "لِلذَّكَرِ مِثْلُ حَظِّ الْأُنثَيَيْنِ"^۱ كما أوصى الله تعالى شأنه بذلك في كتابه.

۹: ولو اجتمع الأبوان أو أحدهما مع الأولاد فلكل واحد من الأبوين السدس كما في الكتاب العزيز والباقي للأولاد بالسوية إن كانوا ذكورا ، وإن كان معهم انثى أو اناث "فَلِلذَّكَرِ مِثْلُ حَظِّ الْأُنثَيَيْنِ"^۲ كما قال الله تعالى.

۱۰: ولو كان معهم (أبوان) زوج أو زوجة (و فرض بر این است که میت فرزند دارد)، أخذ حصته الدنيا الربع (چون مرد است و میت فرزند دارد و اگر فرزند نداشت نصف می برد) أو الثمن (چون زن است و

^۱ سوره نساء، آیه ۱۱.

^۲ سوره نساء، آیه ۱۱.

نسبت سهام دختر و پدر است ضرب در ۶ که فریضه ی اولیه بود می شود و نتیجه می شود ۲۴ و حالا سه چهارم از ۲۴ تا یعنی ۱۸ سهم را دختر و یک چهارم از ۲۴ تا یعنی ۶ سهم را پدر می برد چون أرباعاً تقسیم کردیم)، ولا رد علی الأم للحاجب الذي یحجب الأم عما زاد علی السدس من غیر فرق بین الرد وغیره بلا خلاف أجده فيه ، بل فی المسالك وكشف اللثام ومحكي المجمع الاتفاق علیه ، وهو الحجة فی تخصيص أدلة الرد.^۳

بقیه بحث بماند برای روز شنبه إن شاء الله تعالی ...

والحمد لله رب العالمین و صلی الله علی
مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطاهِرین

میت فرزند دارد و اگر فرزند نداشت ربع می برد) وكذا الأبوان يأخذان السدسین والباقي للأولاد .

۱۱: ولو كان مع الأبوين بنت خاصة، فللأبوين السدسان وللبنت النصف والباقي يرد عليهم أخماساً علی حسب سهامهم. (مخرج ۶ و ۲ داریم که در هم متداخل هستند لذا ۶ میزان است و مال به ۶ قسم تقسیم می شود و نصف آن یعنی سه ششم به دختر داده می شود و به هر کدام از پدر و مادر نیز یک ششم داده می شود و یک ششم اضافه می آید که این اضافه أخماساً یعنی بر طبق سهامشان تقسیم می شود به این صورت که یک ششم داریم که باید به ۵ قسمت که نسبت سهامشان است (۳ سهم دختر و ۱ سهم پدر و ۱ سهم مادر که جمعاً می شود ۵ سهم) تقسیم شود و نسبت سهام یعنی ۵ و فریضه ی اولیه یعنی ۶ تباین است لذا در هم ضرب می شوند و نتیجه می شود ۳۰ و باقیمانده یعنی آن یک ششم به ۳۰ قسمت تقسیم می شود و حالا یک پنجم از ۳۰ تا یعنی ۶ سهم به پدر و یک پنجم از ۳۰ تا یعنی ۶ سهم به مادر و سه پنجم از ۳۰ تا یعنی ۱۸ سهم به بنت واحده می دهیم چون أخماساً تقسیم کردیم).

۱۲: ولو كان إخوة للأب صالحون للحجب كان الرد علی البنت والأب أرباعاً علی نسبة سهامهما (مخرج نصف ۲ و مخرج سدس ۶ است که با هم تداخل دارند لذا مال به ۶ قسمت تقسیم می شود و سه ششم به دختر داده می شود و یک ششم به پدر و یک ششم نیز به مادر داده می شود و یک ششم نیز باقی می ماند که در اینجا أرباعاً محاسبه می شود چون مادر حاجب دارد لذا سهم دختر یعنی ۳ و سهم پدر یعنی ۱ با هم جمع می شوند که می شود ۴ و بعد ۴ که

^۳ جواهر الکلام، شیخ محمد حسن نجفی جواهری، ج ۳۹، ص ۱۱۱، ط ۴۳ جلدی.